

درنگي برمصاحبه بلقيس روشن، سناتور فراه درتلويزيون آريانا افغانستان



يازده سال حکومت سهامی- تنظیمی حامد کرزی با حضور جنگ سالاران دشمن حقوق بشر که وجود شان توأم است با بی امنیتی، فساد گسترده مالی، رشوت خوری و اختلاس و غصب ملکیت های عامه و غارت بانکها و کمک های بین المللی و مداخله و تجاوز علنی کشورهای همسایه بر حریم مقدس کشور، افزایش عملیات های انتحاری به سبب بی عدالتی و قانون شکنی های زورمندان تنظیمی امیده در مقامات مؤثر دولتی، بیکاری و فقر روز افزون، مردم را از دولت و ارگانهای امنیتی و عدلی و قضائی چنان ناامید و به اصطلاح پکو کرده که راه زندگی خود را گم کرده اند.

اکثریت مردم افغانستان که بدبختانه از نعمت سواد بی بهره اند و توان درک علت یا علل این وضعیت را ندارند، این حالت را قسمت و نصیبه محتوم خود تصور کرده، رو به آسمان کرده دعای میکنند و شب را به امید فردا به صبح می آورند تا مگر فردای بهتری به سراغ شان بیاید و از این رنج دایمی رهائی یابند. این وضعیت را همه مردم، اعم از زن و مرد، دارا و نادار، بیسواد و باسواد؛ درس خوانده و ناخوانده، تحصیل کرده و تحصیل نکرده، وابسته به احزاب سیاسی و یا غیر سیاسی، درکشور با چشم خود می بینند، ولی بی تفاوتی و فرهنگ "به مه چی؟" چنان درمیان اکثریت اقشار مردم تعمیم یافته است که نه غصب ملکیت های شخصی و نه غارت بانکها و دارائی های عامه و کمک های جامعه جهانی از سوی زورمندان، نه بی باز خواستی از مجرمین و متجاوزین به حقوق مردم، نه فقر و فاقه کودکان خیابانی، نه قاچاق موادمخدر، نه شیوع و تعمیم اعتیاد در میان جوانان؛ نه آتش زدن زنان و مادران از دست ظلم و خشونت مردان خانواده، نه سنگساز صحرانی زنان و دختران بیچاره از سوی قوماندان صاحبان جهادی یا طالبان وحشی، نه تجاوز بر کودکان سه و چهار و پنج ساله و ده های عمل غیر انسانی و غیر اخلاقی و خلاف قانون، هیچکدام مردم را متاثر نمی سازد. و اگر میساخت، کجاست آنکه مثل آن جوان تونسی، از جان خود بگذرد ولی جان ملتی را از دست ستمکاران و جباران تاریخ نجات بدهد؟

از آنجا که درمیان مردان افغان، تا کنون کسی پیدا نشده است تا از جان بگذرد و به جانان برسد، اینک بلقیس روشن، سناتور ولایت فراه، از وضع موجوده چنان متأثر و متحسرس شده است که به نمایندگی از زنان افغانستان، این مظلوم ترین بخش جامعه از مدتی بدینسو، چه در مجالس رسمی سنا، و چه در مصاحبه ها و میزگرد تلویزیونیهای داخل کشور، از گفتن سخن حق و حقیقت هرگز دریغ نمیکند و بدون «بیم یا امید» از کسی، مثل آئینه مصفا، عیب هرکس و هر مقام را به آدرسش بیان میکند و این کارش که انعکاس دردها و رنج های اکثریت مردم مظلوم است، مورد توجه و تحسین و تائید اکثریت بینندگان و شنوندگان و خوانندگان رادیوها و تلویزیونها و مطبوعات ملی و بین المللی قرار گرفته و میگیرد.

بلقیس روشن، از همان شهر و همان دیاری می آید که همشهری دیگرش، ملالی جویا آمده بود. ۹ سال قبل ملالی جویا، دختر ۲۵ ساله فراهی در لویه جرگه قانون اساسی، با سخنان افشاگرانه کمتر از یک دقیقه ای خود، لویه جرگه مشیوع از مجرمین جنگی را به آشوب کشید و شهرت جهانی کسب کرد و سپس به عنوان عضو نخستین پارلمان افغانستان پس از طالبان از سوی مردم ولایت فراه برگزیده شد و حضورش در پارلمان افغانستان «یکی داستان است پراز آب چشم»، اینک بلقیس روشن که زاده و پرورده شهر فریدون است، در راهی قدم گذاشته که ملالی جویا گذاشته بود و چنانکه ملاحظه میگردد، وی با متانت و استواری در خور ستایش این راه را می پیماید.

مصاحبه سه ساعته خانم سحیه کامرانی با بلقیس روشن، در تلویزیون آریانا افغانستان روزیکشنبه ۱۸ نومبر ۲۰۱۲، موج عظیمی از شادباشها و احسنت و آفرینها و خوش بینیهای افغانها را در خارج از کشور، بشمول اعضای

احزاب سیاسی چپ و راست به همراه داشت. هر که آن مصاحبه را شنیده باشد، نه تنها این خوش بینی ها و حمایت ها را در صحبت های هموطنان افغان با خانم سحبه در تلفیون، شنیده خواهد بود، بلکه در فردای آن شب چند تن از افغانهای مقیم سوئید منسوب به جریانهای چپ برای من زندگ زدند و ضمن تائید و تمجید از دوشیزه بلقیس، طالب معلومات بیشتر در مورد وی از من شدند. من درحالی که سخنان آنان را تائید میکردم، عذر می آوردم که من از این شیردخت فراهی شناخت نزدیکی ندارم و شناخت من بیشتر از آن چیزی نیست که از صحبت های وی در مصاحباتش در تلویزیونها و یوتیوب در انترنت شنیده ام.

قبل از مصاحبه خانم سحبه با بلقیس روشن، گرداننده تلویزیون پیام افغان، نیز یکی از صحبت های گیرا و افشاگرانه این شیرزن افغان را از طریق یوتیوب در انترنت به نمایش گذاشت که در میز گرد تلویزیون طلوع انجام یافته بود. صحبت های شفاف و روشنگرانه و صادقانه این خانم، آنشب نیز احساسات بینندگان تلویزیون پیام افغان را برانگیخته بود و همه کسانی که برای ابراز نظر روی خط تلفیون می آمدند، زبان به تحسین و تمجید از این زن دلیر و با شهامت فراهی میشگودند و من متوجه بودم که بسیاری از بینندگان از آقای خطاب تقاضا نمودند که با وی تماس حاصل کند و یک مصاحبه تلویزیونی انجام بدهد، تا امکان طرح سوالات دیگری با وی میسر گردد. آقای خطاب بنابر تقاضای بینندگان تلویزیون خود، با دوشیزه بلقیس تماس گرفته بود و یکی دو روز بعد در برنامه «سپینی خبری» به اطلاع بینندگان رسانید که قرار است محترمه بلقیس روشن آنشب با وی مصاحبه کند، من و بسیاری از بینندگان چهارچشمه منتظر فرصت مصاحبه در پای تلویزیونهای خود نشسته بودیم، اما آقای خطاب بعد از یک وقفه هر قدر به خانم بلقیس زنگ زد، رخ شده نتوانست، و معلوم گردید که بلقیس روشن یا به لحاظ وابستگی آقای خطاب با گلبدین حکمتیار و یا به ملحوظ دیگری که نزد خود شان بهتر معلوم است، از مصاحبه با عمر خطاب خود داری ورزید و حاضر به مصاحبه نگردید.

اما یک هفته بعد از این ماجرا، خانم سحبه که بخاطر برنامه های جالب و پرمحتوای اجتماعی و سیاسی و افشاگرانه خود در میان بینندگان محبوبیت خاصی دارد، توانست خانم بلقیس روشن را برای مصاحبه در برنامه خود حاضر نماید. خانم سحبه که در ارائه درست برنامه ها و جذابیت مصاحبه با طرف مصاحبه شونده از تجربه و مهارت کافی برخوردار است، زمینه را چنان مهیا ساخت که قبل از اینکه مصاحبه آغاز شود، دوسه نفر از بینندگان از امریکا و اروپا، برنامه را سپانسر کردند و پیشاپیش مدت سه ساعت برای مصاحبه ریزرف گردید. سپس یکی از صحبت های خانم بلقیس از روی یوتیوب به بینندگان پیشکش شد.

سخنان واضح و روشن، دوشیزه روشن، در افشای چهره های جنایتکار و فاسد و رشوه خور و قاچاقچیان مواد مخدر و غاصبین ملکیت های شخصی و دولتی و اعمال خسونت و تجاوز در حق زنان و کودکان و مال و ناموس مردم مظلوم کشور از سوی جنایتکاران برسر قدرت در دولت کزری، چاشنی هر مصاحبه و هر صحبت دلیرانه او است. وی در شب سوم فیروزی ۲۰۱۲ با نماینده داکتر عبدالله با منطق بران خود در برنامه "تودی خبری" تلویزیون لمر و طلوع نیوز سیلی محکم دیگری به روی جهادی های دروغین زد. او گفت: «آنها که بعد از خروج شوروی تفنگ بدست گرفتند، جنایت کار اند و عامل اصلی قتل صد هزار کابلی که در سگ جنگی های کابل میان گروه های جنایت کار جهادی جان باختند. او اشاره به نماینده عبدالله عبدالله از سر جنایت کاران جهادی که در میز گرد تلویزیون طلوع شرکت کرده بود گفت "عبدالله در زمان ماموریتش در وزارت خارجه به نیروهای بین المللی اجازه داد تا افغانها را بدون آنکه محاکمه شوند به قتل برسانند." او گفت اینها همه نوکران و جواسیس کشور های بیگانه هستند.» مصاحبات بلقیس روشن در تلویزیونهای ملی را میتوان از طریق یوتیوب در انترنت و جستجوی گوگل پیدا کرد و شنید.

بهرتر است تا آنجا که حافظه یاری میدهد، به نکاتی از مصاحبه وی با خانم سحبه کامرانی اشاره کنم:

خانم سحبه ابتدا از وی خواست تا در باره خود به بینندگان معلومات ارائه کند و او چنین گفت:

نام من بلقیس روشن است، در سال ۱۳۵۲ شمسی در شهر فراه متولد شده ام و پس از کودتای ثور که پدرم از طرف حزب برسر اقتدار زندانی شده بود، مجبور به مهاجرت به ایران شدم. بعد از مدتی از ایران به پاکستان رفتیم، بعد از سقوط دولت کمونیستی کابل دوباره به وطن برگشتیم. اما جنگ های تباهن تنظیمی برای کسب قدرت شهر کابل را به آتش کشیده بود و سبب مرگ و نابودی هزاران انسان کابل گردید و بار دیگر موج مهاجرتها به خارج از کشور آغاز شد و ما مجبور شدیم دوباره به پاکستان برویم. سه ماه بعد از سقوط طالبان و تشکیل حکومت کزری از

پاکستان به افغانستان برگشتیم. مدتی معلمی کردم و یک مدت هم در یک کلینیک توان بخشی برای خانمها کار نمودم. سپس از سوی خانمهای شهر فراه بحیث رئیس شورای زنان در ولایت فراه انتخاب شدم و تا شروع انتخابات دوره دوم پارلمان در آن شوری بودم و بعد بحیث سناتور ولایت فراه به پارلمان افغانستان راه یافتیم. خانم بلقیس اضافه نمود که اکنون درفاکولته حقوق و علوم سیاسی محصل هستم، وبا پدر و مادرش یکجا زندگی میکند و غیرمتاهل است.

خانم سجویه از دوشیزه بلقیس پرسید که بعضی ها شما را با سازمان «راوا» (سازمان زنان انقلابی افغانستان)

که گفته میشود از سوی استخبارات نظامی پاکستان ایجاد شده است، نسبت میدهند، نظر شما در این باره چیست؟

بلقیس روشن پاسخ داد: «سازمان راوا»، سازمان سیاسی زنان انقلابی افغانستان است که در آغاز حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در پاکستان از سوی خانم مینا بنیان گذاری شد. این خانم بعد ها در پاکستان از سوی سازمان های استخباراتی کابل و یاعناصر افراطی حزب اسلامی ترور گردید. روشن، علاوه نمود که تمام گروه های تنظیمی دست آموز «آی اس آی» بعد از سقوط دولت نجیب الله در افغانستان بقدرت رسیدند و هر جنایتی که از دست شان می آمد در حق مردم کوتاهی نکردند، ولی سازمان راوا، نه خود به قدرت رسید و نه در قدرت دولتی تنظیمها شریک شد، پس از این معلوم میشود که «راوا»، ساخته و پرداخته دست «آی اس آی» پاکستان نیست، و این اتهام را دشمنان آن سازمان و بخصوص جنگسالاران تنظیمی که کابل را به ویرانه مبدل کردند و اکنون هم در غارت و چپاول دارائی های مردم نقش برجسته دارند، بر آن سازمان میزنند. من هر اتهام بدون سند را رد میکنم، و خودم تا کنون عضویت آن سازمان را ندارم، ولی از اینکه این سازمان برضد بنیادگرایی و افراط گرایی و جنایتکاران مبارزه میکند، مورد مخالفت من نیستند، زیرا من هم مخالف بنیادگرایی و جنایتکاران هستم.

خانم روشن، بعد از روشن کردن موقف ایدیولوژیک خود در برابر بینندگان، خود را یک عنصر آزادیخواه و حامی عدالت اجتماعی و تطبیق یک سان قانون بر همه اتباع افغانستان خواند و تنفر و انزجار خود را از جنگ سالاران و قدرتمندان تنظیمی در دولت کرزی ابراز و از دولت امریکا بخاطر اشغال افغانستان بشدت انتقاد کرد و گفت:

هجوم امریکا با همراهی بیش از ۴۰ کشور جهان بر افغانستان، به بهانه نجات ما از شر تروریستان القاعده و طالبان و تحقق دموکراسی و نظام مردم سالاری که در آن حقوق زنان و کودکان تامین شده باشد و دیگر ظلم و ستم بر این بخش از جامعه از میان برداشته شود، ولی برعکس در عمل دیده شد که امریکا، از جنایتکاران جنگی حمایت کرد و آنها را دوباره بر سر قدرت آورد، و با این کار خود امریکا همه آرزوهای افغانها بخصوص مردم مظلوم را بر باد داد. تفنگ سالاران جمعیت ربانی و شورای نظار مسعود و حزب وحدت کریم خلیلی و حرکت محسنی و اتحاد سیاف و جنبش اسلامی رشید دوستم، که دستان هریکی در خون مردم ما آلوده و رنگین بود و هست، دوباره بر سر اقتدار آمدند و دمار از روزگار مردم بیچاه کشور بر آوردند. هریکی از این جنگ سالاران در اثر غارت و چپاول سرمامایه ملی این کشور امروز به قارون زمان خود مبدل شده اند و باعث بربختی های بیشمار برای مردم افغانستان شده اند. ترور و حملات انتحاری طالبان بر مردم و محلات مزدهم شهری بیشتر شده است. بمباردهای کور نیروهای خارجی بر محافل عروسی مردم ما، از دیاد کشت و قاچاق مواد مخدر نسبت به گذشته چندین مرتبه بالا رفته و امنیتی که در گذشته مردم داشتند، از میان رفته است و برون از کابل مردم تا سربوی از ترس طالبان رفته نمیتواند، در فراه که قبل از حضور نیروهای خارجی در افغانستان هر کس میتوانست از شهر به ولسوالیها بدون خطر سفر کند، امروز حتی در داخل شهر اطفال از رفتن تا مکتب و مدرسه بیم دارند، بنابراین تمام این نابسامانیها زیر سر امریکا و نیروهای خارجی در کشور ماست، اگر امریکا این جنایتکاران و غارتگران دارائی های عامه را حمایت نمیکرد، و مثل طالبان اینها را از کشور میروفت و یا در قدرت سهم نمیگرفت امروز هم امنیت داشتیم و هم امور باز سازی بهتر انجام میشد و مردم ما از بیکاری و فقر مجبور به مهاجرت به کشورهای همسایه نمیشدند.

خانم بلقیس روشن، در هر صحبت خود بر این نکته تاکید میکند که به مجاهدین واقعی که برای آزادی کشور از جنگ روس هارزمیده و جانیهای شیرین خود را فدا کردند و آزادی را بدست آوردند، احترام دارد چونکه پدرش نیز یک مجاهد بود و نمیتواند به پدر خود بی احترامی کند. او میگوید که پدرش یکی از این مجاهدین واقعی بود که بعد از خروج قشون سرخ از کشور و سقوط دولت کمونیستی در افغانستان سلاحش را بر زمین گذاشت و دیگر دنبال جنگ و کسب مقام و پول از راه های غیر مشروع نگشت، و امروز به دلیل مرض شکر از دو چشم نابینا است و در کنج

خانه افتاده است. اما آن‌های که بعد از سقوط دولت کابل به جنگ و خون ریزی ادامه دادند و باعث تباهی کابل و کشتار ده ها هزار انسان بی گناه این کشور شدند، و با نام مجاهد تجارت سیاسی کردند و میکنند، و پول و سرمایه اندوخته اند، و هنوز هم با غصب ملیکتهای دولتی و غارت کمک های بین المللی سرمایه می اندوزند، آن‌ها را مجاهد نمی شمارد، بلکه آن‌ها را غارتگران نام و عزت جهاد میداند و تا توان داشته باشد آن‌ها را افشا خواهد نمود.

خانم بلقیس بارها و بارها در برابر این پرسش ژورنالیستان اظهار کرده است که : برهان الدین ربانی، گلبدین حکمتیار، سیاف و کریم خلیلی و محقق و محسنی و عطا محمد نور و اسماعیل خان و عبدالله عبدالله، بردارن مسعود و امثال اینها، مجاهدین واقعی نیستند، بلکه اینها از نام و حیثیت مجاهدین سوء استفاده ها کرده اند و در حالی که از پدر و پدرکلان خود ، صاحب یک خانه گلی نبودند، ولی امروز هر کدام آن‌ها صاحب شهرک های رهائشی و صدها میلیون دالر پول نقد در بانکهای خارج و قصرهای مجلل در دوی و لندن و دیگر کشورها می باشند ، دارائی و سرمایه های این اشخاص ، در حقیقت خونبهای مجاهدین واقعی کشور ما اند که سر در نقاب خاک کشیده اند و فرزندان شان امروز در خیابانهای شهر کابل گدائی میکنند و سرپناهی برای گذشتانیدن شب خود ندارند.

خلاصه خانم بلقیس روشن در برابر هر پرسش خانم سحبه ، پاسخی منطقی ارائه میکرد و خیلی سنجیده و مستدل صحبت میکرد و در هر بخش از صحبت هایش با استدلالی پذیرفتنی به ارائه معلومات می پرداخت. دوشیزه بلقیس در باره نامگذاری غیر موجه پوهنتون تعلیم و تربیه بنام برهان الدین ربانی و لجاجت بيمورد پسرش صلاح الدین ربانی و سفر اخیری به پاکستان، و نیز در باره اسماعیل خان وزیر انرژی و آب و دوسیه اختلاس وی در سارنوالی افغانستان و اینکه او به هیچکس از دولت افغانستان جوابگو نیست و به انتقام گیری از مردم فراه از بستن بند آب بر رود فراه امتناع میورزد و نیز از اقدام اخیر وی برای تشکیل شورای جهادی و احتمال جنگ تنظیمها برای حفظ قدرت شان، از خودسریها و اختلاس های عطا محمد نور و دستبردها و غصب زمین های دولتی و شهرک سازیهای وی و نیز از کارنامه های محقق و خلیلی و قسیم فهیم و عبدالله عبدالله و احمدضیا مسعود و غیره گرگان درنده در حکومت کرزی صحبت‌های همه جانبه نمود.

این صراحت لجه و افشای بدون دلهره از زورمندان معروف و بلند پایه دولت کرزی، این تشویش را در دل هر انسان دور اندیش ایجاد میکند که مبدا این شخصیت دلیر و جان برکف ، از سوی عناصر زن ستیز و قلدر تباه نشود، و یک چنین سرمایه بی بدیل نابود نگردد. پیروزی و سرفرازی دایمی این شیردخت فراهی ، نه تنها آرزوی قلبی من است، بلکه آرزوی هرافغان حق پرست و دادخواه و ستم دیده از دست زورمندان حق کش و صدر نشین دولت کنونی نیز میباشد.

درخشش خانم بلقیس روشن، در رسانه های جمعی ملی و بین المللی مایه افتخار و امیدواراست! ما وجود این خانم دلیر و با شهامت را برای جامعه مردسالار افغانستان، یک سرمایه بزرگ معنوی می شماریم و آرزو مندیم بر تعداد بلقیس ها و ملالی جویا ها در کشور افزوده گردد. باید وقتاً فوقتاً از این خانم های دلیر و با شهامت یاد آوری و آن‌ها را در راه درستی که در پیش گرفته اند، حمایت کنیم.

زنده و پیروز باد بلقیس روشنها در کشور!

پایان